

## نقش تقوا در رشد شخصیت انسان

حجت الاسلام حقانی زلمجانی

دانشگاه الزهراء

چکیده: یکی از مشکلات مهم در جهان ماشینی امروز، بخصوص در جهان غرب، عدم کنترل عوامل انحراف و فقدان راهنمایان فرهنگی و سقوط شخصیت والای انسانی است. از این رو نقش تقوا در رشد شخصیتها و تکامل آنها و جلوگیری از انحراف روحی اهمیت واقعی خود را یافته و به عنوان درمان اصلی برای اصلاح ساختار انسانها مطرح می‌گردد.

از این رو، در این مقاله نظر اسلام و کلام وحی به طور دقیق و گسترده و جامع الاطراف پیرامون تقوا در مسائل زیر مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد:

تقوا و شخصیت والای انسان و تاثیر تقوا در تکامل شخصیت انسانها با توجه به متون معتبر اسلامی - معنای تقوا از دیدگاه قرآن و مراتب تقوا و اقسام آن و عوامل پیدایش تقوا در قرآن و در گفتار پیشوایان اسلام و آثار فردی و اجتماعی تقوا و امتیازات خانوادگی و قبیله‌ای - تقوا و مقاومت و غیر اینها از مسائلی در معرفی تقوا از دیدگاه اسلام می‌تواند مورد بحث قرار بگیرد.

### نقش تقوا در رشد شخصیت انسان

حالات گناهکاران و حتی اعتراف آنان در پاره‌یی اوقات این حقیقت را نیز روشن می‌سازد که ضمیراکثر این افراد ( یعنی خیانت‌گران و مبتلایان به بیماری های روحی) در دوران طفولیت مثل آسمان صاف بوده، سرکشی نداشته ولی به مرور زمان در اثر نبود راهنمایان دلسوز و تمرکز انحرافهای قوای روحی و

این حقیقت مسلم است که مشکلات و ناراحتیها و ناکامیهای روحی در جهان، بخصوص در جهان غرب در اثر زندگانی ماشینی رویتزاید گزارده است، آمارهای موجود بازگوی این حقیقت میباشد<sup>۱</sup> و نیز مطالعه در

۱- برای مطالعه آمارهای امراض روحی می‌توانید به کتاب « بلاهای اجتماعی قرن ما » مراجعه فرمایید.

دارد معنای معمولی آن عبارت است از آنچه که يك شخص در زمان سابق بوده، در حال است و آنچه در آینده خواهد بود و لکن در فن روان شناسی عبارت است از کلیه چیزهایی که وجود فردی را تشکیل میدهد از قبیل دست و پا و مغزو قلب و استخوان و اعصاب و فکر و کلیه احساسات شخص مثل عشق و نفرت و محبت و قدرت و ضعف حافظه و قوه دراکه و ...<sup>۲</sup>

ولی این دو تعبیر برای شخصیت اشکال بزرگی دارد و آن اینکه بنا بر هر دو تعبیر فکر و بدن (روح و جسم) جدا و مجزا از هم فرض شده است به طوری که هیچ يك از فکر و بدن در یکدیگر تأثیر متقابل ندارند در حالی که در علم طب ثابت شده است که وضع فکری يك فرد بتوسط رشته‌های بسیار قوی با وضع بدنی انسان ارتباط کامل داشته و تمام فعالیت‌های بدن تحت تأثیر وضع فکری می باشند.

با ملاحظه ارتباط بین فکر و جسم و تأثیر متقابل آن دو در یکدیگر معنای شخصیت عوض شده عبارت می شود از کلیه چیزهایی که وجود شخصی را تشکیل می دهند و با یکدیگر همکاری می کنند. مطابق این تعریف عکس العمل اشخاص در مقابل وقایع نیز جزئی از شخصیت آنها را تشکیل می دهد و از همین جا است که پزشکان می گویند سوء هاضمه اغلب در اثر بعضی از هیجانات روحی پیدا می شود.

روانشناسان شخصیت انسان را به سه قسمت متمایز (قسمت ناخودآگاه - قسمت خودآگاه و وجدان) تقسیم کرده‌اند و خویشتن شناسی را بر روی این سه پایه قرار داده اند.

خودآگاه عبارت است از آن قسمت از فعالیت فکری

تأثیر روابط خارجی محیط، ناپاک و تیره و تبدیل به يك عناصر خطرناك شده اند و از همه مهمتر فقدان راهنمایان فرهنگی در محیط خانواده و خارج از خانواده و عدم کنترل عوامل انحراف در مسیر فضیلت و تقوا، بالاترین مصیبتی است که حیات اجتماعی و ترقیات روز افزون اجتماع را در جنبه‌های مختلف علم و صنعت تهدید می نماید.

راهنمایان فاسد و بی‌دین و بی‌تقوا قادرند چنان زیانهای غیرقابل جبرانی بار آورند که عملاً اکثر افراد فعال مملکت یعنی سرمایه‌های پرارزش کشور را به عده بی افراد ضعیف و وامانده تبدیل کنند و افراد بی شخصیت تحویل جامعه دهند از این رو است که نقش تقوا در رشد شخصیتها و تکامل اهمیت واقعی خود را پیدا می کند. برای اینکه خوانندگان اهمیت تقوا را در تبیین شخصیت و تکامل آن به خوبی بدانند لازم است دیدگاه اسلام در مساله تقوا و شخصیت والای انسان و تأثیر تقوا در تکامل شخصیت با توجه به متون معتبر اسلامی (قرآن و سخنان پیشوایان اسلام) و بطور کلی نظر اسلام و وحی در این باره مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

برای این کار لازم است قبلاً معنای شخصیت و اجزاء متشکله آن بیان شود و سپس تقوا و نشانه های آن و عوامل پیدایش تقوا و مسائل مربوط به تقوا از دیدگاه قرآن و اخبار و احادیث معتبر اسلامی بازگو گردد تا بعداً گوناگون مساله‌ی، تبیین و روشن گردد.

### شخصیت چیست؟

برای کلمه‌ی «شخصیت» که در صحبت‌های روزانه‌ی خود آنرا زیاد استعمال می‌کنیم تعبیرهای مختلفی وجود

انحراف تنها وقتی است که حالت تقوا و ترس از خدا و ایمان کامل نسبت به او در اعماق روح هر انسانی وجود داشته باشد این جا است که نقش سازنده تقوا در رشد شخصیت انسان به خوبی آشکار می گردد. حال باید دید این حالت بازدارنده از انحراف دریاطن انسانها به نام تقوا چیست؟ و دیدگاه اسلام و قرآن در باره آن کدام است؟

### معنای تقوا از دیدگاه قرآن

در قرآن مجید ۲۱۰ آیه وجود دارد که کلمه تقوا به صورتهای مختلف و صیغه های گوناگون بکار رفته است و لکن تمام آنها در یکی از چهار معنای زیر استعمال شده است:

۱- خشیت (ترس) چنانکه در سوره ی حج وارد است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ» «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید» و در سوره ی شعراء: «اذْقَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَّا تَتَّقُونَ» «به یاد آورید زمانی را که نوح خطاب به قوم خود گفت آیا از خدایم ترسید» و... .

۲- به معنای عبادت و بندگی چنان که در سوره ی نحل وارد است:

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ» «معبودی جز من نیست پس مرا بپرستید» و در سوره ی ۱۶ آیه ی ۵۲: «أَفَعِيزَ اللَّهُ تَتَّقُونَ» «آیا جز خدا را عبادت می کنید؟» و در سوره ی شعراء: «.. قَوْمٌ فَرَعُونَ أَلَّا يَتَّقُونَ» «آیا قوم فرعون خدا را عبادت نمی کنند؟»

۳- عدم عصیان چنان که در سوره ی بقره وارد است: «... وَدَخَلُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ» «به منزلها از طریق درهای آن وارد شوید و از اطاعت خدا سرپیچی و عصیان نکنید.»

۴- یکتا داشتن خدا و اخلاص در عمل چنان که در سوره ی نساء می فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ» یعنی «خدا

ما است که از وجود آنها آگاهیم و ناخودآگاه عبارت از آن قسمت از فعالیت فکری ما است که بدون اراده و اطلاع، انجام یافته کاملاً از کنترل انسان خارج است. وجدان عبارت است از نیرویی است در درون انسان که در اثر تعالیم و تکالیف موجود در اجتماع و با ملاحظه نمونه های خوب و بدی که به افراد آموخته می شود تشکیل می گردد و از مهمترین اجزاء شخصیت انسان به شمار می رود.

وظیفه ی این نیروی عظیم درونی جلوگیری از ارتکاب اعمال زشت و ناشایست می باشد. وجدان چون پاسبان مقتدر و باوفائی است که در مسیر حرکات آرزوها و آمال قسمت ناخودآگاه که با فشار زیادی می خواهند ابراز وجود نمایند به مقاومت پرداخته مانع از اظهار وجود برخی از آرزوهای ناخودآگاه که به حال اجتماع یا شخص مضر است می گردد.

این آرزوهای رانده شده دوباره به منبع اصلی خود (وادی ناخود آگاه) بازگشت می نمایند و گاهی از اوقات این آرزوها و احساسات درونی رانده شده به صورت رفتارهای غیر ارادی از قبیل عشق و محبت و نفرت و... در افراد بروز می کنند مساله ی مهم و اساسی در این مرحله این است که وجدان انسانها یعنی آن پاسبان مقتدر و باوفا در برابر شهوات و تمایلات قوای نفسانی که عامل اصلی انحراف انسانها می باشند مغلوب واقع نشود و چون چراغ روشن، صفحه ی دل و قلب انسانها را تا اعماق آن روشن و زنده نگاه دارد. و در این مرحله است که اسلام از طریق ارشاد و راهنمایی و تقویت وجدان به کمک آن می آید تا وجدان بتواند در برابر قوای غضبیه و شهویه و سایر تمایلات نفسانی منحرف کننده مقاومت کند.

و طریق مقاومت انسان در برابر عوامل گناه و

شرعی را ترك كند كه برخى از مباحات را نيز انجام ندهد. « تقوا در دین اجتناب و دوری کردن از کارهایی است که موجب زوال و از بین رفتن دین و یا ضعف و سستی آن و سبب عقوبت و عذاب دنیا و آخرت و یا محروم شدن از فیوضات و برخوردارى از درجات آخرت می گردد.

تقوا به معنای پارسایی و پرهیزگاری و يك نوع احتراز و پرهیز کردن است اگرچه خدا نسبت داده شود معنایش دوری جستن از عذاب الهی است و البته این معنی وقتی تحقق می پذیرد که آدمی راه رضایت و خشنودی او را بیسپاید آنها با فرمان بردن اوامر خدای تعالی و شکرگزاری نعمتهای او و این کلمه در قرآن ۱۷ بار آمده است.<sup>۳</sup>

به ملاحظه همین معنا است که مرحوم شهید آیه... مطهری در کتاب «ده گفتار ص ۷ و ۸ از معنای تقوا به عبارات زیر تعبیر آورده است:»:

«تقوا دینی و الهی یعنی اینکه انسان خود را از آن چه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده است و خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود.»

چیزی که هست حفظ و صیانت خود از گناه که نامش تقوا است بدو شکل و دو صورت ممکن است صورت بگیرد و به تعبیر دیگر ما دو نوع تقوا می توانیم داشته باشیم: تقوائی که ضعیف است و تقوائی که قوت است.

در نوع اول، انسان برای این که خود را از آلودگیهای معاصی حفظ کند از موجبات آن فرار کند و خود را همیشه از محیط گناه دور نگهدارد شبیه کسی که برای رعایت حفظ الصحه خود کوشش می کند خود را از محیط مرض و میکرب و از موجبات

را یکی قرار دهید « و در سوره حجرات وارد است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى» یعنی « آنان کسانی هستند که خداوند دل‌های آنان را برای توحید و اخلاص و یکتا گرایی قرار داده است» و در سوره ی حج می فرماید: «... فَإِنَّهَا مِنَ تَقْوَى الْقُلُوبِ» یعنی « این اعمال و شعائر اسلامی همانا از اخلاص دلها ناشی شده است»<sup>۳</sup> و در کتب لغت نیز نظیر این معانی گفته شده است مثل این که اِتْقَاءٌ به معنای پرهیز کردن و ترسیدن، خویشتر را به شدت از چیززبان آور حفظ کردن و نگاهداشتن آمده است مثلاً ابی القاسم حسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی متوفای ۵۰۲ هجری در کتاب: المَفرَدَات فی غریب القرآن « ص ۵۳۰ در ماده ی «وَقَى» می نویسد: «الْوَقَايَةُ حِفْظُ الشَّيْءِ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُضِرُّهُ» « وقایه حفظ شی است از چیزهایی که او را از ایذاء و زیان حفظ می کند و تقوی نیز از این ماده آمده است و معنای تقوی: «جَعَلَ النَّفْسَ فِي وَقَايَةٍ مَّا يَخَافُ» یعنی انسان نفس خود را از چیزهایی که از آن می ترسد حفظ کند» سپس نقل می کند که تقوی به معنای خوف و ترس نیز آمده است و استعمال تقوی به معنای خوف از باب استعمال مقتضای شی بجای مَقْتَضِي آن شی می باشد.

سپس به معنای شرعی تقوی اشاره می کند و می نویسد: «وَأَصَارَ التَّقْوَى فِي تَعَارُفِ الشَّرْعِ حِفْظُ النَّفْسِ عَمَّا يُؤْتِمُّ وَ ذَلِكَ بِتَرْكِ الْمَحْظُورِ وَ يَتِمُّ ذَلِكَ بِتَرْكِ بَعْضِ الْبَاحِثِ» یعنی «معنای تقوی در اصطلاح شرع حفظ انسان نفس خود را از گناهان باینکه محرّمات

۳- قاموس قرآن ص ۴۹۴ و کمال تقوا و تمامیت آن نیز به این است.

۴- نثر طوبی ماده ی تقوا

استفاده می‌شود که تقوا عملی ارادی و اختیاری است و در خمیرمایه‌ی هر انسانی، میل به تقوا و عمل صالح و صالح بودن- از بدو خلقت قرار داده شده است چنان که در سوره‌ی «الشَّمْس» (... فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا...) خداوند به نفوس بشرها و طریق پیروی از فجور و بدیها و تقوا و نیکیها یعنی به راه بد افتادن و یا به طریق رشد افتادن را الهام کرده و آن را در ذات هر انسانی به ودیعه نهاده است.

منتها اگر انسان درایت و اندیشه صحیح را به کاراندازد و مصالح عمل صالح و مقاصد عمل بد را خوب و رانداز کرده با هم بسنجد عقل او به طورجزم او را به سوی نیکی و عمل صالح و تقوا راهنمایی می‌کند و طریق حق و حقیقت برایش روشن خواهد شد.

پس راه تقوا رفتن راه اختیاری انسان است چنان که طریق ضلالت و گمراهی را پیمودن و آلوده به فساد و خیانت و زشتی بودن نیز به دست خود انسان انجام می‌گیرد و این که برخی از آیات قرآن و روایات گمراهی و ضلالت به خداوند نسبت داده شده است منافاتی با آیه‌ای که از قرآن نقل کریم ندارد زیرا خداوند بندگانی را که به اختیار خود راه گمراهی را انتخاب می‌کنند و طریق فجور را پیش می‌گیرند به حال خود و می‌گذارد و همین، معنای گمراه کردن خداوند بشمار میرود.

فجور چنان که از آیه‌ی بالا به خوبی استنباط می‌شود در مقابل تقوا به کار برده شده است و معنای فجور حالت نفسانی میل به گناه و تبهکاری است ولو این که به جهاتی از قبیل ملاحظه مردم و غیر آن گناهی از او نزد مردم نمایان نشده باشد ولیکن چون خمیرمایه بدکاری در او وجود دارد و تزکیه‌ی روحی انجام نگرفته است با فراهم شدن زمینه‌ی گناه مرتکب آن می‌گردد چنین کسانی هرگز تقوا ندارند و جزو متقین نیستند و

انتقال بیماری دور نگهدارد، سعی می‌کند مثلاً به محیط مالاریا خیز نزدیک نشود و با کسانی که به نوعی از بیماریهای واگیردار مبتلا هستند معاشرت نکند.

نوع دوم اینکه در روح خود حالت و قوتی به وجود می‌آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی می‌دهد که اگر فرضاً در محیطی قرار بگیرد که وسائل و موجبات گناه و معصیت فراهم باشد آن حالت و ملکه‌ی روحی، او را حفظ می‌کند و مانع می‌شود که آلودگی پیدا کند مانند کسی که به وسائلی دریدن خود مصونیت ایجاد می‌کند که دیگر نتواند میکروب فلان مرض در بدن او اثر کند.

در زمان ماتصوری که عموم مردم از تقوا دارند همان نوع اول است... شاید علت پیدایش این تصور این است که از اول تقوا را برای ما «پرهیزکاری» و «اجتناب کاری» ترجمه کرده‌اند و تدریجاً پرهیز از گناه به معنای پرهیز از محیط و موجبات گناه تلقی شده و کم کم به این جا رسیده که کلمه‌ی تقوا در نظر عامه‌ی مردم انزوا و دوری از اجتماع می‌دهد...

از مطالعه‌ی قرآن و کتب لغت و اخبار وارده در این باب به خوبی در می‌یابیم که تقوا حالتی نفسانی و نوعی حالت بازدارندگی می‌باشد و عملی است اختیاری و عوامل مختلفی از قبیل اراده و تصمیم و ملاحظه‌ی مصالح دنیوی و اخروی و ایمان به خداوند و معرفت او و سایر عواملی که در آینده به برخی از آنها اشاره خواهد شد در انسان پدید می‌آورد. و از آنجا که خداوند در برخی از آیات امر به تقوی می‌کند مثلاً (اتَّقُوا اللَّهَ) و از آنجا که در موارد متعددی از آیات با تقوا شدن انسان را به تشخیص عقل احاله می‌کند چنان که می‌فرماید: (أَلَا تَتَّقُونَ) آیا شایسته نیست تقوا را پیشه‌ی خود سازید....) به خوبی

### تکامل و تقوا

تکامل کمی و کیفی مسیر اصلی تمام موجودات و مقصود نهایی هر پدیده ای است به این نحو که هر موجودی برای رسیدن به کمال مطلق (الله) در حرکت است و ضرورت دین و شناخت خداوند نیز در این رابطه صورت عینیت به خود می گیرد.

بدیهی است که این تکامل (یعنی حرکت به سوی خالق) وقتی به نحو احسن تحقق می پذیرد که موانع آن برداشته شود و انسانها از تمام عواملی که مایه ی رکود و بقاء و جمود در عالم خاکی باشد رهایی یابد و هر اندازه این رهایی در جنبه های مختلف زندگی مادی و در تمایلات روحی، خارجیت پیدا کند آرامش فکری انسانها بیشتر شده، از قید و بندهای گرفتار کننده ی آنها کمتر می گردد و هر اندازه که موانع و بندهای گرفتار کننده ی آنها کمتر گردد و هر اندازه که موانع تقرب آنها به خالق خود کمتر شود یعنی کمتر مرتکب گناه و فساد گردند و بیشتر از فرمانهای الهی پیروی کنند به همان اندازه نیز روح آنها و عقل و نفسانیات آنها رو به کمال می رود و از عالم مادیت بریده شده و به عالم معنویت نزدیکتر می شوند.

از این رو رهبران دینی ما، تقوا را کمال هر انسانی می دانند چنان که راوی از رسول اکرم (ص) از معنی کمال سوال می کند: «فَمَا الْكَمَالُ؟ قَالَ: تَقْوَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» یعنی «کمال چیست؟ و در چه چیز تحقق می کند؟ در پاسخ می فرماید: تقوا در برابر خداوند است (یعنی تقوا در این است که گناه او را مرتکب نگردد و از فرمانهای او سرپیچی نکند و اوامر او را

از این جهت در آیه ی دیگر ملاحظه می کنیم: «...أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» «هرگز متقین را مثل بدکاران قرار نمی دهیم» (سوره ۳۸ آیه ۲۸).

متقین در مقابل فجار قرار گرفته در دو صف متضاد با یکدیگر قرار دارند و دارای آثار خارجی و روحی متضاد نیز می باشند بطوریکه متقین در روز قیامت در جوار رحمت الهی قرار می گیرند چنان که مجرمین و فجار در دوزخ معذب می باشند.<sup>۵</sup>

تذکو این نکته نیز لازم است که اختیاری بودن تقوا منافاتی با این ندارد که تقوا در اثر هدایت و راهنمایی پروردگار پیدا میشود یعنی خدا مسیر و جاده ی حق را انسانها نشان داده و میل به هر يك از دو طرف (تقوا و فجور) را در زوایای نفس و خمیرمایه هر انسانی قرار داده است و انسانها با شناخت مسیر حق، اختیار دارند خود را در جاده ی تقوا قرار داده از گناه و فساد و فجور دور باشند و یا مسیر فجور و گناه و عصیان را در پیش گیرند.

آری اگر هدایت به معنای انداختن در جاده حق یا ناحق و سیر دادن در یکی از دو مسیر متضاد باشد نه تنها اینکار بر خداوند جایز نیست بلکه اصولاً با هدف آفرینش بشر نیز ناسازگار است.

از این رو در قرآن کریم آیه ۹ شریفه: «أَوْتَقُولُوا إِنَّا إِلَهُهُدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ...» «یا می گوید اگر خداوند مرا هدایت می کرد، همانا جزو پرهیزکاران بودم» (سوره زمر آیه ۵۷) بقرینه کلمه «لو» که برای امتناع می باشد بصراحت دلالت دارد که هدایت خدا به معنای انداختن خدابنده را در خط متقین می باشد.

۵- سوره ۸۵/۱۹

۶- بحار ج ۷/۲۹۰

اطاعت کند و ...)

بازیها و افتادن در دامن لذائذ بی حد و حصر گرچه از طریق حلال تهیه شده باشد چندان سازگاری ندارد.

دوم- تقوا یعنی ترس از خداوند که محرمات و حتی شبهات را مرتکب نشویم و در اصطلاح روایات قرآن تقوای خواص نامیده می شود (وَ تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ هُوَ تَرَكُ الشُّبُهَاتِ فَضْلاً عَنِ حَرَامٍ وَ هُوَ تَقْوَى الْخَاصِّ) سوم- تقوا از جهت ترس از عذاب و عقاب خداوند و آن ترك حرام است و این تقوای مردم عادی می باشد.<sup>۷</sup>

چنانکه در روایات دیگری از امام صادق (ع) از معنای تقوی پرسش شد: حضرت در پاسخ این سوال فرمود: «فَقَالَ أَنْ لَا يَفْقَدَكَ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ»<sup>۸</sup> یعنی «هر جا امر خداست حاضر باشی و جایی که نهی خداست حاضر نباشی».

بنابراین تقوا را دو جهت است: اول اکتساب طاعات و امتثال اوامر الهی باینکه سعی کند واجبی از او ترك نشود و در مرتبه‌ی دوم سعی کند مستحبات را تا آن جا که بتواند ترك نکند.

جهت دوم- تقوی اجتناب از محرمات و ترك نواهی پروردگار است به این که در محرمات و نواهی او از چیزهایی که به جا آوردنش موجب خشم و سخط اوست خودداری نماید.

### فرمایش مجلسی در الاسام تقوا

علامه مجلسی در بحار الانوار در ذیل روایات مربوط به تقوا می فرماید: ورع و تقوا بر چهار قسم است:

- ۱- ورع تابعین و آن پرهیز از گناهان و محرمات است.
- ۲- ورع صالحین و آن پرهیز از مشتبهات است که در حرام واقع نشوند.
- ۳- ورع متقین و آن ترك مباحثات است که در حرام

آری تقوا مسیر تکامل هر موجودی است و انسان وظیفه شناس و مطیع اوامر پروردگار تابع سنتهای الهی به مشابه باغبانی است که در مزرعه‌ی روح خود علفهای هرزه را که مانع رشد خویهای نیکو و استعدادهای سازنده انسانها می شود از بیخ و بن می کند و تکامل و باروری آنها را قوت می بخشد.

### مراتب تقوا

انسانها در خلاصی از موانع و قید و بندهای دست و پاگیر و در میزان تقرب به خداوند و تکامل به سوی او مراتب گوناگونی دارند و بدین ملاحظه انسانها به چند نوع تقسیم می شوند که در روایات به آنها اشاره شده است از جمله روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «تقوا بر سه قسم است اول تقوا برای خدا و در راه خدا ( وَ هُوَ تَقْوَى بِاللَّهِ فِي اللَّهِ ) و آن ترك پاره بی از لذائذ حلال مثل ترك موارد شبهه ناک است و آن به اصطلاح اخبار تقوای «خاص الخاص» است. البته واضح است منظور این نیست که لازم است حتی لذائذ حلال را ترك کنیم بلکه کمال وجدانی و عقلی هر انسانی حکم می کند که تامی تواند هم خود را در عیش و نوش و خورد و خوراک و پوشاک و سایر لذائذ مادی قرار ندهد گرچه از طریق حلال به دست آمده باشد زیرا این عمل نه تنها انسان را از یاد خدا باز میدارد بلکه از گرفتاریهای دیگران غافل می کند و از هم خوری و همدردی برادران دینی خود دور می کند و در نتیجه آنان را از عمل به وظائف وجدانی خود باز می دارد. از این جا روشن می شود که تقوا با آن گشاده

۷- بحار ج ۷۰ / ۲۹۵

۸- سفینه البحار ج ۲ / ۶۸۷

واقع نشوند مانند ترك شوال از حال مردم از ترس اینکه مبادا در غیبت افتد.

۴- ورع سالکین و آن اعراض از غیر خدا است از ترس ضایع شدن عمر عزیز در کارهای بیهوده هر چند منجر به حرام نشود.

برای این که ماهیت تقوا را تقریب به ذهن کرده و در ضمن موقعیت هر يك از این سه قسم بالا را بیان کرده باشیم لازمست ذهن خوانندگان را به این نکته‌ی لطیف و پر معنی که در اخبار وارد است جلب کنیم و آن این که در برخی از اخبار معتبر تقوا را به آبی که در نهري جریان دارد تشبیه و طبقات و انواع سه گانه تقوا را نیز به درختان گوناگون و رنگارنگی که در کنار این نهر نشانده شده است تشبیه نموده‌اند که هر يك از این درختان به تناسب ریشه و برگ و شاخه از آب نهر بهره می‌گیرند و به میزان قدرت و جوهر و طبع و لطافت خود از آن سیراب می‌شوند و رشد و نمو می‌کنند و از منافع و ثمرات آن تمام مردم استفاده می‌برند و در حقیقت تقوا به منزله‌ی منبع نیرو و مایه‌ی حیات هر موجود زنده است که با ریشه‌ها و اساس تمام معارف و علوم فنون و شئون مختلف اداری و اجرایی رابطه مستقیم دارد و موجب رشد و ترقی همه فضائل و کمالات انسانی به شمار می‌رود.

این مطالب که گفتیم شعر نیست که یافتیم بلکه حقیقتی است بس عظیم و کلام گهربار امام صادق (ع) به این معنای دقیق پرارزش دلالت روشنی دارد چنان که فرمود: «تقوا به مشابه ی آبی است که در نهري جاری است و این انواع سه‌گانه تقوا (که نام بردیم) به

منزله‌ی درختانی هستند که در کنار نهر آبی نشانده‌اند و دارای رنگهای مختلف و جنسهای گوناگونی می‌باشند و هر درختی از شیرهای این آب نهر، به قدر اقتضای ذات خود و طبیعت و جوهر و لطافت و سختی خویش از آن بهره می‌برد و به صورت شاخه و ساقه و برگ و شکوفه و میوه درمی‌آید چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید:

«صَوَانٌ وَ غَیْرُ صَوَانٍ یُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ یَفْضِلُ بَعْضُهَا عَلَی بَعْضٍ عَلَی بَعْضٍ فِی الْاَكْلِ...»<sup>۹</sup> «درخت خرمایی که از يك ریشه رویده و از يك آب سیراب می‌شوند و برتری دادیم برخی از آنها را بر بعضی دیگر در خوردن...».

پس تقوا نسبت به طاعات به منزله‌ی آب است نسبت به درختان و طبیعتهای مختلف درختان و میوه‌ها در رنگ و طعم به منزله‌ی اندازه ایمان افراد است پس کسی که در درجه‌ی عالی ایمان باشد و جوهر و ذات صاف و با صفاتی داشته باشد به همان نسبت پرهیزگارتر می‌باشد و نیز کسی که تقوای بیشتری داشته باشد به همان اندازه خالص‌تر و پاک‌تر و در نتیجه تقرب چنین کسی به خداوند زیادتر است و هر عبادتی که بر اساس تقوای بنیان نشده است هیچ اثر وجودی بر آن مترتب نیست چنان که خداوند می‌فرماید: «أَقَمَّنْ أُسُسَ بُنَیَانِهِ عَلَی تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانُ خَیْرٌ أَمَّ أُسُسَ بُنَیَانِهِ عَلَی شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِی نَارِ جَهَنَّمَ»<sup>۱۰</sup> یعنی «آیا کسی که مسجدی بر اساس تقوی و خدا پرستی تأسیس کرده و رضای حق را طالب است مانند کسی است که بنایی بر پایه‌ی سستی در کنار سیل بسازد

۹- سوره رعد / ۴:

۱۰- سوره توبه / ۱۰۹:



ما در این جا اجمالی از موارد اسباب پیدایش تقوا که حدود ۱۱ مورد هستند و در بررسی تفصیلی قرآن مجید به دست می‌آید از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

۱- احساس این که انسانها خالقی دارند و باید آنرا پرستش کرد و عبادت او نمود حالتی در انسان ایجاد می‌کند که منتهی به تقوا می‌گردد چنان که می‌فرماید: «ای مردم پرستش کنید خدای خود را که شما و نسلهای قبل از شما را آفریده است شاید (بدینوسیله) تقوا پیدا کنید»<sup>۱۲</sup>

۲- عمل به قوانین اسلامی باعث پیدایش تقوا است چنان که در قرآن مجید می‌فرماید: «آنچه (از قوانین و اوامر در قرآن مجید) به شما دادیم با کمال قدرت و قوت بگیرید و دقیقاً آنرا عمل کنید و آنچه را که قرآن متضمن او است یادآور باشید و از آنها غفلت نکنید تا شاید حالت تقوا در شما پدید آید».<sup>۱۳</sup>

۳- اجرای حدود الهی و قوانین جزائی و عمل به قانون «قصاص» در اسلام نمایانگر پیدایش تقوای اجتماعی در جامعه‌های اسلامی است چنان که می‌فرماید:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>۱۴</sup> «ای صاحبان خرد، حیات و زندگی جامعه اسلامی با قصاص و مجازات مجرمین تأمین می‌شود آن را عملی سازید» زیرا مسلم است مصونیت جامعه از فساد و قتل و کشتار و هرج و مرج وقتی حاصل می‌شود که فرد فرد جامعه به صورت عیان حس کنند که این قبیل اعمال ناشایست که مستقیماً

که رود به ویرانی کشد و عاقبت آن بنا از پایه به آتش دوزخ افتد؟<sup>۱۱</sup>

## عوامل پیدایش تقوا

یکی از مسایل مهمی که در رابطه با موضوع تقوا مطرح می‌شود علل و عوامل پیدایش تقوا می‌باشد که يك حالت روحی و خود سازی است یعنی چه مسیری را باید بپیماییم و چه اعمالی انجام دهیم تا تقوا پیدا شود؟ بررسی دقیق قرآن و اخبار وارده به خوبی نمایانگر جنبه‌های مختلف این مساله می‌باشد. در قرآن مجید متجاوز از ۳۰ آیه در سوره‌های گوناگون ضمن طرح مسائل بسیاری این مساله را مورد بررسی قرار داده است چنان که اخبار متعددی در کتب معتبر احادیث به جنبه‌های مختلف آن نظر دارد.

در تمام این آیات و اخبار این حقیقت مشترک است که تا انسانها کاملاً در محور (الله) قرار نگرفته و سیر دقیق در مسیر (الله) با عمل به قوانین اسلامی نداشته باشند حقیقت تقوا به معنای واقعی کلمه حاصل نمی‌گردد چون تقوا معنایی است به اصطلاح (مقول بالتشکیک) و دارای شدت و ضعف، هر اندازه که تقرب بخدا زیادتر باشد و عمل به قوانین و فرمانهای پروردگار دقیق‌تر انجام بگیرد به همان اندازه نیز تقوا بیشتر است چنانکه عکس این رابطه در مورد مخالفت و عصیان به اوامر خداوند بعینه تحقق پیدا می‌کند.

۱۱- «مَثَلُ النَّوْرِ كَمَا يَبْحُرِي فِي نَهْرٍ وَمَثَلُ هَذِهِ الطَّبَقَاتِ الثَّلَاثِ فِي مَعْنَى النَّوْرِ كَأَشْجَارٍ مَفْرُوسَةٌ عَلَيَّ حَاقَةٌ ذَلِكَ النَّهْرُ مِنْ كُلِّ لَوْنٍ وَجِنْسٍ وَكُلِّ شَجَرَةٍ مَنَهَا يَسْتَمِصُّ الْمَاءَ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ عَلَى قَدِّ جَوْهَرِهِ وَطَبِيعِهِ وَلَطَافَتِهِ وَكِنَافَتِهِ ثُمَّ مَنَافِعُ الْخَلْقِ مِنْ ذَلِكَ الْأَشْجَارِ وَالشَّمَارِ عَلَى قَدْرِهَا وَقِيمَتِهَا..... (بحار الانوار مرحوم مجلسی ج ۷۰ / ۲۹۵)

۱۲- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (سوره ی ۲۱/۲)

۱۳- «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (سوره ی ۶۳/۳)

آسایش و راحتی افراد جامعه را جداً مورد مخاطره قرار میدهد مورد مجازات واقع شده بدون کیفر نمی‌مانند و برای دیگران نیز باعث عبرت شده در نتیجه، تقوای اجتماعی تثبیت می‌گردد.

۴- عمل به قوانین «صیام» در اسلام موجب پیدایش تقوا است زیرا طبیعی است کسی دستور خدا را با وجود زحمت و مشقت فوق العاده آن عمل کند و گرسنگی و تشنگی را خصوصاً در مناطق گرم و جلو آفتاب سوزان، برخورد هموار نماید این مطلب حکایت از اطاعت محض از فرمان خدای خود می‌کند که تقوا را به درستی تفسیر می‌نماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» «بر شما مسلمانان روزه گرفتن واجب است چنان که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب بود تا شاید تقوا تحصیل کنید»<sup>۱۵</sup>.

از این رو در برخی از روایات از روزه، به عنوان تقوا و سبب تقوا تعبیر شده است.

۵- احساس این مسأله که خدا یکی است و جز او خالق وجود ندارد، انسانها را به تقوا می‌رساند پس باید این احساس عالی را در سطح فکر و اندیشه‌ی خویش به وجود آوریم چنان که خدا از قول پیامبران گذشته از قبیل هود و صالح و نوح و لوط و شعیب و الیاس و سایر انبیاء نقل می‌کند که همه آنان افکار امت خویش را به یگانگی خداوند توجه داده جداً آنان را به مطالعه در این مسأله و پرستش خدای یگانه دعوت می‌کردند چنان که قرآن مجید از قول هود چنین نقل می‌کند:

«ما فرستادیم هود را به قوم عاد و او به قوم خود گفت: «ای قوم خدای خود را پرستید و جز خدای یگانه

موجودی نیست آیا شما تقوا را پیشه می‌سازید»<sup>۱۶</sup> یعنی اگر مطالعه‌ی شما در طبیعت و مظاهر شگفت انگیز آن به این منتهی گردد که جز خدایی مُدَبِّر و مدیر خالق وجود ندارد به این معنی که شما به وحدانیت خدا قائل باشید قهراً حالت تقوا در شما پیدا می‌شود و فرمانهای الهی را مویه مو اجرا کرده بر او عصیان نمی‌ورزید.

و نظیر همین کلام از زبان سایر پیامبران در قرآن مجید در سوره‌های ۲۶ آیه ۱۰۵ و ۱۲۴ و ۱۶۱ و سوره‌ی ۳۷ آیه ۱۲۴ و سوره‌ی ۲۳ آیه ۳۲ و ۲۳ و... وارد شده است که به صراحت می‌رساند که این، سنت الهی است و یکی از طرق پیدایش تقوا در افراد جامعه.

۶- تدبیر در این که چه موجودی سفره‌ی عظیم گیتی - از زمین و آسمان- را برای تمام موجودات به خصوص انسانها گسترده است که رایگان از آنها بهره مند می‌گردند و انواع نعمتها از شنوایی و گویایی و بینایی را به موجودات داده است و آنها را از عدم به وجود آورده است.

آیا این تدبیر کافی نیست که ما را متوجه روزی دهنده‌ی قابل ستایش بکند و حالت تقوا را در انسان ایجاد کند چنان که خداوند در سوره‌ی یونس می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدْبِرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» «بگو (ای پیامبر) اگر از آنها سوال کنید چه کسی به شما از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ و کیست مالک شنوایی و بینایی؟ و کیست آن که زندگی

۱۵- سوره ی ۱۸۳/۲

۱۶- سوره ی اعراف/ ۶۵ و هود / ۵۰

تقوای اجتماعی و نوعی اخلاق و خودداری از گناه و انحراف هرگز صحیح نمی باشد.

نتیجه این که حالت تقوا در صورتی در انسان پیدا می شود که انسان عقیده به معاد و روز رستاخیز داشته باشد تا ملاحظه ی حساب و کتاب و مجازات و رسیدگی به کیفر اعمال خود را از گناه و آلودگی (که هر انسانی مطابق غریزه به آنها متمایل می باشد) نگاه دارد.

۱۰- مسلم بودن این پدیده از نظر تاریخی که فردی از جنس بشر در دورانی از تاریخ پیدا می شود که رسول بوده واسطه بین خلق و خالق بوده باشد و مردم را از خدای یکتا بترساند به تنهایی می تواند سبب عقیده به مبدأ و باعث پیدایش تقوا نسبت به او باشد.

چنانکه در قرآن مجید خداوند در سوره ی ۶۳/۷ می فرماید: «... أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» آیا تعجب می کنید از این که قرآنی از طرف خداوند بر مردی نازل شود که از جنس خود شما می باشد تا شمارا بترساند و در نتیجه شما تقوا پیدا کنید تا شاید مورد رحمت قرار گیرید...»

۱۱- مطالعه ی آثار خلقت و نشانه های بارز آفرینش از قبیل اختلاف شب و روز و بررسی اسرار موجودات همه و همه می تواند سبب توجه به آفریدگار حکیم و توانا و ... گردد و در نتیجه انگیزه طبیعی پیدایش حالت تقوا در روح انسانها شود چنانچه آیه ی ۱۸۷ از سوره دوم و آیه ی ۱۶ از سوره ی ۱ دلالت بر آن دارد.

وحیات را (در بهاران) در درختان خشک و پژمرده - پدید می آورد؟ و مرگ و پژمردگی را (در فصل پاییز و زمستان) از حیات و نشاط به وجود می آورد؟ و کیست آن که چنین تدبیر می کند؟ حتماً پاسخ می دهند که آن (الله) می باشد پس در این صورت چرا تقوا را پیشه نمی سازید؟»<sup>۱۷</sup>

۸- خداوند علاوه بر جنبه ی خالقیت بر تمام موجودات جنبه ربوبیت نیز دارد به این ترتیب که اعضای و جوارح و سایر قوای داخلی و خارجی را که نیاز مبرم هر موجود زنده یی است در او قرار می دهد و موجود را به سوی آن هدایت می کند.

مطالعه ی این جنبه در موجودات این که پرورش دهنده و پروردگار موجودات کیست؟ مسلماً ما را به اطاعت از او و ایجاد تقوا در برابر فرامینش راهنمایی می کند<sup>۱۸</sup> چنان که در سوره ی مومنون می فرماید: «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (بگو ای پیامبر) پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ خدا کیست؟ به زودی می گویند مال خدا است بگو پس آیا تقوا پیشه نمی سازید؟»

۹- بوجب این آیه شریفه: «فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا» «چگونه تقوا را پیشه می سازید اگر شما منکر روز رستاخیز باشید که در اثر شدت و فشار و سختی، اطفال را به صورت پیران در می آورد» حالت تقوا و اطاعت از خدا و ترس از گناه و آلودگی با حالت کفر و بی دینی و لاپالی گری سازگار نیست پس ادعای برخی از افراد در عدم تنافی مکتب مارکسیسم و به طور کلی ماتریالیسم با

۱۷- یونس / ۳۱

۱۸- آیه ی ۸۶

نتیجه‌ی مطالب بالا این شد که تقوا يك حالت روحی و نوعی سیریه سوی (الله) می باشد که به مجرد اراده و یا تنها با به زبان آوردن آن در روح انسان حاصل نمی شود بلکه نیاز به مقدماتی دارد و آن مقدمات شامل مبانی اعتقادی و ایمانی از قبیل اعتقاد به توحید و پرستش و عمل يك سلسله تکالیفی است که بر اساس ایمان انجام می گیرد این مسأله را ما از نظر قرآن تا اینجا بررسی کردیم و اینک لازمست از نظر اخبار و احادیث نیز مورد بحث قرار دهیم:

#### اساس پیدایش تقوا در گفتار پیشوایان اسلام

این حقیقت روشن است که انسانها در جهت استقلال و بی نیازی مادی و معنوی خویشان به حرکت تکاملی خود ادامه می دهند و شب و روز به دنبال این گمشده می گردند و تلاش بی امان خود را برای به دست آوردن این به کار می برند منتها در تطبیق آن در خارج، چه بسا دچار اشتباهاتی می شوند. برخی از کوتاه فکران بی نیازی حقیقی را در بی نیازی مالی از دیگران و جمع ثروت و تکاثر و تفاخر می دانند و بعضی دیگر عزت و احترام و غنای ذاتی رادر وابستگی عشره بی دانسته و هر چه افراد عشره بیشتر باشد همان اندازه نیز خود را بی نیازتر فرض می کنند چنان که گروهی دیگر نیز غنا را در رابطه با مناسبات بشری و انس و الفت با سایرین تصور می کنند و لکن از نظر رهبران اسلام هیچ کدام از موارد مزبور، در ایجاد غنای واقعی تأثیر عمیق ندارند و بمنزله ی سرابی است که انسانها را گول می زند و

حقیقتی پایدار ندارد.

حال جای این سوال باقی است که این غنای روحی و اطمینان خاطر به چه طریقی پدید می آید؟ در پاسخ این سوال باید گفت که تنها با اتصال به سرچشمه ی کل هستی می توان از دستیابی و بی خاصیت بودن وجود انسانها جلوگیری کرد و این معنا هنگامی حاصل می شود که هر انسانی وابستگی وجودی خویش را به خوبی درک کند و این احساس عمیقاً در اندیشه ی وقتی بوجود می آید که بداند که آفریدگاری دارد شنوا و گویا و دانا و مدرك و آنرا با تمام وجود درک کند در این صورت است که از غیر خود کاملاً قطع امید می کند و تنها به او وابسته می شود و توکل به او پیدا می کند و به یاد مرگ خویش می افتد و در نتیجه تقوای واقعی خدایی در روح او پدید می آید.

علی (ع) فرمود:

«اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْ قُلْتُمْ سَمِعَ وَإِنْ أَضْمَرْتُمْ عِلْمَ وَ بَادَرُوا الْمَوْتَ، أَنْ هَرَبْتُمْ أَدْرَكَكُمْ وَإِنْ قُمْتُمْ أَخَذَكُمْ وَإِنْ يَسْتَمِعُوهُ ذَكَرْكُمْ»<sup>۱۹</sup> «بترسید از خدایی که این صفات را دارد اگر حرفی بزنید حرف شمارا می شنود و اگر آن را مخفی بدارید می داند و به سوی مرگ خویش گام سریع بردارید و اگر از آن فرار کنید شما را درک می کند و اگر در مورد مرگ توقف کنید و بایستید شما رادر برمیگیرد و اگر آن را فراموش کنید شما را یادآوری می کند بردباری تنها این نیست که انسان در مقابل شدائد و مشکلات روزمره ی زندگی، مقاومت کند یا تحمل در برابر زیانهای مالی و جانی و خانوادگی داشته باشد، البته این نوع بردباری در اسلام نیکو است و لکن بردباری برای پیدایش تقوا و

و برگشت شما به سوی او است و موفقیت شما در امور، مربوط به او بوده و تقرب به او آرزوی هر فردی از انسانها است تا آن جا که علت تقوای انسانها را چنین توجیه می کند: «...فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ قُلُوبِكُمْ وَبَصَرٌ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ وَ شِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَاةٌ لِقَسَادِ صُدُورِكُمْ وَطَهْوَرُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجَلَاءٌ غَشَا أَبْصَارِكُمْ وَآمَنَ فَرْعُ جَائِكُمْ وَضِيَاءٌ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ» یعنی «تقوا در مقابل خداوند دوی تمام دردهای قلبی شما است و باعث بینایی قلبهای شما و شفا دهنده ی مرضهای جسمی شما و اصلاح کننده ی فساد سینه های شما، حافظ پاکی روح شما و زداینده تمام ناپاکیهای نفسهای شما و جلادهنده ی دیده های باطنی شما و نجات دهنده از دردها و گرفتاریها و روشن کننده از ظلمت نادانی و جهل و سایر صفات رذیله روحی شما می باشد.»<sup>۲۰</sup>

چنان که مشاهده می کنید امام درست دست روی نقطه ی اصلی دردها و گرفتاریها و منشأ تمام بدبختیهای فردی و اجتماعی امت اسلامی گذارده، صحبت از دوا و شفاء و بینایی و پاکی و صلاح انسانها می کند و زیر بنای آن را تحصیل تقوا شمرده و آن را کلید دست یابی به سعادت و نیکبختی انسانها می داند.

از این رو آن حضرت با ز در جای دیگر تقوا را به عنوان زمام تمام خوشبختیها و قوام آن معرفی می کند و می فرماید: «إِنِّي أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا الزِّمَامُ وَالْقِيَامُ فَتَسْمَكُوا بِوَتَائِقِهَا...»<sup>۲۱</sup> «من تمام انسانها را به تقوا توصیه می کنم زیرا او بمنزله ی

مبارزه با کیش شخصیت و تحمل در مقابل هواهای نفسانی و جلوگیری از طغیان خواهشهای بی حد انسان و گسترش آن (صبر بر تقوا) یکی از اقسام مهم صبر بوده و بسیار باارزش می باشد زیرا این نوع بردباری ما را از يك سلسله مصیبتهای بزرگ نامحدوده و عذاب و خشم و غضب خداوند جلوگیری می کند از این رو در نهج البلاغه علی (ع) صبر و تحمل در برابر پیدایش تقوا در دنیا را با صبر و تحمل بر عذاب خدا در روز رستاخیز مقایسه می کند و صبر در مقابل تقوا را خیلی آسانتر از صبر و تحمل عذاب پروردگار می داند چنان که می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ الصَّبْرَ عَلَى التَّقْوَى أَهْوَنُ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى عَذَابِ اللَّهِ» یعنی «ای مردم تقوا را پیشه خود سازید زیرا تحمل و صبر در مقابل پیدایش حالت تقوا برای شما در دنیا خیلی آسانتر از تحمل شما در برابر عذاب پروردگار در سرای دیگر است.»

ممکن است برخی تعجب کنند که چطور تقوا را زیر بنای تمام اعمال فردی و اجتماعی امت اسلامی محسوب می داریم؟ و این اندازه به آن اهمیت می دهیم ولیکن مطالعه ی کلمات پیشوایان دینی حقیقت بالا را کاملاً به ثبوت می رساند آنجا که علی (ع) در موارد متعددی حتی در بستری بیماری، در آخرین لحظات حیات خود با چنان سوزدلی مردم مسلمان را مخاطب ساخته می فرماید:

«من شما را به تقوا در برابر آفریدگار وصیت می کنم آفریدگاری که شما و همه موجودات را آفریده

۱۹- شرح نهج البلاغه خونی ج ۱۱/۱۸۴

۲۰- " " " " ۱۸۳

واضح است که صفاتی از قبیل ایمان و وفای به عهد و انفاق در راه خدا و صبر و... و وقتی ارزش واقعی خود را دارد که همراه با تقوا باشد زیرا مغز تمام این افعال خداپسندانه تقوا و محور آن می باشد چنان که در قرآن مجید چنین آمده است:

« آری هرکس به عهد خود وفا کند و خدا ترس و پرهیزگار باشد که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد »<sup>۲۰</sup>  
 « چنان که چند بار با توعهد صلح و مسالمت بستند ( مانند یهودان بنی قریظه) عهد ترا در هر مرتبه شکستند و در حفظ عهد با تو، راه تقوانپیموندند<sup>۲۱</sup> (و دشمنان اسلام و مشرکان مکه را یاری کردند).

« ... اما آن کس که در راه خدا انفاق می کند و به پرهیزگاری پیش گیرد و جزای نیک الهی را تصدیق کند ما هم البته کار او را (در دو عالم) سهل و آسان می گردانیم ... »<sup>۲۲</sup>  
 « .... و محققاً اگر آنان ایمان آورند و پرهیزگار شوند بهره یی که از خداوند نصیب آنها شود بهتر از هر چیز خواهد بود<sup>۲۳</sup> » .

« .... اگر صبر پیشه کرده پرهیزگار شوند (البته ظفر یابند) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارها است... »<sup>۲۴</sup>

چنان که ملاحظه می کنید تمام این صفات در مدار تقوا دارای ارزش واقعی هستند حتی اگر آنها از یهود

زمام تمام سعادت‌ها بوده و مایه‌ی قوام و استحکام و تعادل زندگی بشری می باشد پس به آن چنگ بزنید» .

### آثار فردی و اجتماعی تقوا

در موضوع تقوا تاکنون مسائلی مطرح گردید اینک لازم است بدانیم که وجود تقوا ( یعنی ملاک برتری فردی بر فرد دیگر و جامعه‌ی بر جامعه دیگر و موجب صلاحیت در انتخاب و تصدی امور و پست‌ها) را در افراد و اطرافیان خود چگونه شناسایی کنیم؟ و آثار و علائم تقوا چیست؟ که با احراز وعدم احراز آنها در شخصی بدانیم تقوا و صلاحیت روحی و عملی را دارد یا نه؟

مطالعه‌ی مجموع اخبار و روایات و آیات قرآن در موضوع تقوا، ما را به یک سلسله آثار و علائم راهنمایی می کند که قبل از بررسی آنها، توجه خوانندگان را به یک نکته ی مهم جلب می کنیم و آن این که معادله ی زیرین تقوا و علائم آن به این ترتیب تنظیم می گردد که:

کسانی که دارای تقوا هستند این علائم و صفات را دارایی باشند و لکن این طور نیست که هر موقع از این آثار در کسی وجود داشته باشد حتماً تقوا را دارد (و باصطلاح علم منطق اینها لازم اعم تقوا می باشند).

۲۰- «بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ... سوره ی ۷۵/۳»

۲۱- «... الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ يُنْقِضُونَ عَهْدِهِمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ..... - سوره ی ۵۶/۸»

۲۲- «... فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ فَتَنْسِبُهُ لِيُسرَى...» (سوره ی لیل آیه ی ۴ و ۵ و ۶)

۲۳- «... وَكَوْنَهُمْ آمَنُوا وَاتَّقُوا لِمَنْ تَوَكَّلْتُمْ أَلَّا تَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ» - (سوره ی بقره / ۱۰۲)

۲۴- «... وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» سوره ی آل عمران / ۱۸۵

مقام و حق تقدیمی نیستند چنان که در قرآن مجید سوره ی ۳۳ خطاب به همسران پیامبر می فرماید:

«... يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» « ای همسران پیامبر شما مثل سایر زنان نیستید اگر خدا ترس و پرهیزکار باشید پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوئید مبادا آن که دلش بیمار ( هوی و هوس) است به طمع افتد (بلکه متین) و درست سخن گویند...»

منظور این آیه این نیست که همسران پیامبر شما مثل زنان در مورد تقوا فرقی دارند بلکه شاید منظور اصلی خطاب به زنان پیامبر این است که مسلمانان را متوجه يك توطئه سیاسی که ممکن است در امر حکومت و تصدی امور مملکتی رخ دهد و آن این که برخی از فرصت طلبان و مغرضان از نرمش سخنان آنها سوء استفاده کنند و در پوشش طرفداری از همسران پیامبر، آنان را آلت دست اغراض جاه طلبانه خویش قرار دهند چنان که طبق تواریخ معتبر شیعه و سنی این توطئه بعد از رحلت پیامبر در جنگ جمل پیش آمد و کلمات گهربار علی (ع) در نهج البلاغه در موارد متعدد باین مسأله اشعار دارد که مسلمانها را به آن یاد آوری کرده است که از حوصله ی بحث ما فعلاً خارج است.

### تقوا و مقاومت

افراد با تقوا همواره بردبار و نیرومند در مقابل دشمنان و توطئه ها و حيله های گوناگون آنان به خوبی

و نصاری و دشمنان اسلام از کفو و دشمنی خود با اسلام دست بردارند به خدا ایمان آورند، تقوا را پیشه سازند و به محور تقوای واقعی بر گردند قطعاً گام به دایره ی سعادت و نیکبختی گذارده اند:

«... چنانچه اهل کتاب ایمان آورند و تقوا پیشه کنند البته گناهانشان را مستور سازیم و محققاً آنها را در بهشت پر نعمت داخل می گردانیم»<sup>۲۵</sup>

ولکن آنان قدم در راه سعادت و نجات نمی گذارند از این جهت که آنان تنها، دل به زندگی دنیا بسته اند و در چهارچوب محدود مادیّت غوطه ورنند و به تعبیر قرآن زندگی این دنیا در نظر کفار تزیین شده آنان گروندگان به خدا را مسخره می کنند:

« حیات دنیا و متاع دنیا در نظر کافران، جلوه نموده که اهل ایمان را مسخره می کنند ولی مقام تقوا پیشگان روز قیامت برتر از کافران است و خدا به هر که خواهد روزی بی حساب بخشد...»<sup>۲۶</sup>

### تقوا و امتیازات خانوادگی و قبیله ای

یکی از ویژگیهای برجسته اسلام در برابر ادیان کنونی این است که اسلام تمام امتیازات خانوادگی، قبیله یی عشیره یی و طبقاتی را به کلی لغو کرده است. اسلام وابستگی پدر پسر و پدر و مادری و همسری و سایر علاقه های خویشاوندی را در تصدی اموری که نیاز به صلاحیت و تقوا دارند بدون اثر اعلام کرده است حتی زنان پیامبر به جهت همسر پیامبر بودن باعث ترجیح و موجب برتری و تصدی امری و احراز

۲۵- «... وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَآدْخُلْنَا لَهُمْ جَنّٰتِ النَّعِيمِ...» سوره ی مائده / ۶۵

۲۶- «... زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ذٰلِكَ آمَنُوا...» (سوره ی ۲۸ آیه ۲۱۲)

۲۷- «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» این آیه در قرآن در سوره مختلف آن متجاوز از ۴۶ بار بکار رفته است مراجعه کنید

روبرو با خطر جدی نابودی می باشد در این صورت است که لطف و رحمت پروردگار و وعده ی کمک به حق و بندگان صالح و مستضعف تحقق پیدا می کند چنان که خداوند در قرآن مجید می فرماید:

« وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ »<sup>۲۹</sup> یعنی « خداوند به شما که در جنگ بدر شکست خورده و ذلیل شده بودید یاری کرد پس تقوا داشته باشید تا شاید سپاسگزار باشید ( یعنی کمک خداوند به جهت تقوا و توکل به خدا متوجه شما است).

هوشیار و در برابر آنها مقاومت می نماید و از وسوسه ی دشمن نمی هراسد زیرا در رابطه ی مستقیم با موجودی قادر و کامل و آفریننده و منتقم می باشد که بر هر چیزی قدرت دارد<sup>۲۷</sup> و اشیا را از عدم به هستی می آورد و با اتکاء به این قدرت کوبنده هر قدرت متجاوز را در هم می گوید از این رو در قرآن کریم می خوانیم:

« ... وَأَنْ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُ هُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ». یعنی « اگر صبر کنید و تقوا پیشه سازند ( خداوند به شما مدد می رساند) دشمنان به شما ضرر نمی رسانند ( زیرا) خداوند به آنچه که انجام می دهند احاطه دارد » .<sup>۲۸</sup>

« بلی اگر شما صبر و ایستادگی در جهاد پیشه کنید و پرهیزگار باشید هنگامی که کافران بر سر شما شتابان و خشمگین بیایند خداوند پنجهزار فرشته را (با پرچی که نشان مخصوص سپاه اسلام دارد) به مدد شما فرستد. »

البته ناگفته پیدا است که این آیه، به این معنی نیست که مسلمانان باید بدون فکر و اقدام در نجات خود باشند و تنها به امید فرود فرشتگان امدادی خداوند، روز شماری کنند بلکه خداوند این کمک را در موارد ضروری یعنی جایی که فداکاری و جانبازی مسلمانها در تمام ابعاد و زمینه ها برای پیروزی بر دشمن انجام گرفته و لکن قدرت دشمن بقدری زیاد و پیچیده است که نه تنها صفوف متشکل مسلمانها در خطر نابودی است بلکه اسلام عزیز نیز

۲۸- سوره ی ۱۳ / ۱۲۰

۲۹- سوره ی آل عمران / ۱۲۳



## منابع:

- ۱- قرآن سوره‌های بقره و اعراف - مومنون - هود و یونس و....
- ۲- قاموس قرآن / ۴۹۴ تألیف سید علی اکبر قرشی
- ۳- نثر طوبی ماده ی تقوا تألیف حاج میرزا ابوالحسن شعرانی متوفای ۱۳۵۲ شمسی ج ۲ ص ۵۷۳
- ۴- بحار الانوار ج ۲۹۰/۷ و ج ۲۸۳/۷۰ تألیف مُحدث ملا محمد باقر مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هـ
- ۴- شرح نهج البلاغه خوئی ج ۱۱ / ۱۸۴ و ۱۸۳
- ۶- وسائل الشیعه تألیف محمد بن حسن مشهور به شیخ حرّعاملی متوفای ۱۱۰۴ هـ
- ۷- وافی تألیف ملا محسن فیض (ره) متولد سال ۱۰۰۷ هـ و متوفای ۱۰۹۱ هـ
- ۸- اصول کافی تألیف ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی متوفای ۳۲۹ هـ
- ۹- المفردات فی غریب القرآن ص ۵۳۰ تألیف ابوالقاسم حسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی متوفای ۵۳۰ هـ
- ۱۰- ده گفتار مرحوم شهید آیه.... مطهری ص ۷ و ۸ مجموعه سخنرانیهای آن مرحوم در طول سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ هجری شمسی
- ۱۱- خویشان شناسی تألیف دکتر ویلیام سبی مینجر « امریکائی ترجمه ی هوشنگ مستوفی در تاریخ ۱۳۳۲ شمسی
- ۱۲- سفینه البحار ج ۲ / ۶۷۸ تألیف حاج شیخ عباس قمی (ره) متوفای ۱۳۵۹ هـ



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی